



دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۷۵۴
www.hammihaonline.ir

گزارش
جامعه
۱۲-۱۳

هتل‌ها خالی چادرها پُر

بررسی تعداد و کیفیت سفرها در نوروز در گفت‌وگو با **انوشیروان محسنی بندپی** معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی و کارشناسان و فعالان گردشگری

سفرنامه

بحران آب

یادداشت اول از مجموعه نوشته‌های **احمد زیدآبادی** نویسنده و مشاور هم میهن درباره مشکلات جامعه ایران که در سفر نوروزی با آن مواجه شده است



در سفرهای نوروزی چشم من یکسره به قلعه کوه‌هاست تا ببینیم چه میزان برف بر نوک دامنه آنها نشسته است. جاده‌ای که از شهر گلوگاه تا چشمه‌علی در نزدیکی دامغان از میان جنگل و دشت و بیلاق و کوهستان می‌گذرد، یکی از زیباترین جاده‌های ایران است. در بلندترین ارتفاعات این مسیر که جناح شرقی سلسله جبال البرز به شمار می‌رود، اثری از برف انبوه سال‌های قبل به چشم نیامد. در یزرگراه قم به کاشان که بر اثر تخریب آسفالت، خودروها زیر پای راننده و مسافرانش همچون نخود بر روی تابه داغ، بالا و پایین می‌پرند، نگاهم معطوف به رشته کوه کرکس بود، اما دریغ از برفی که هر ساله بر دامنه این کوهستان می‌نشست. تنها در نوک قلعه کرکس در غرب شهر نطنز، چند مثقالی برف از دور خودنمایی می‌کرد. کوه‌های بین اردستان تا نائین که سال پیش پوشیده در برفی ملایم بود، امسال از خشکی فریاد می‌زد. شیرکوه در غرب یزد هم وضعی بهتر از کوه کرکس نداشت و بعد از آن، به فاصله ۶۵۰ کیلومتر تا بندرعباس، دیگر هیچ اثری از برف بر روی هیچ کوهی در دو سوی جاده، به چشم نمی‌خورد. اگر بگویم هیچ پدیده‌ای مثل کوهی خفته در برفی عمیق و سنگین در ایام نوروز دل‌مراشاد و حال‌م‌را خوب نمی‌کند، اغراق نکرده‌ام. در مقابل، یک کوه مرتفع اما خالی از برف در ابتدای سال نو، همه غم و غصه‌های عالم را در دلم خالی می‌کند. این همه برای این است که عمیقاً نگران بحران آب در این فلاتی هستیم که سرنوشتش در تاریخ و جغرافیا کم‌بارشی بوده است. نیاکان ما قدر و ارزش آب را در این سرزمین‌های کم‌بارش به خوبی می‌شناختند و از صمیم قلب باس می‌داشتند، چون تحصیل آب برای شان سخت و به‌غایت طاقت‌فرسا بود. حفر ده‌ها حلقه چاه در دل صحرا گاه به عمق صدها متر نظیر قنات قصبه در کناباد، با استفاده از بیل و کلنگ برای جاری کردن آب‌های خفته در ژرفای زمین به سطح خاک، امروزه مشقتی غیرقابل تصور است! کاربزرگان با مقیاسی که با لباس‌های ژنده و شکم‌های گرسنه از صبح علی‌الطلوع تا غروب آفتاب، در عمق زمین کلنگ می‌زدند، و یا با چرخاب و دولاب، گل و لای چاه را بالا می‌کشیدند و یا به لایروبی قنات می‌پرداختند، هنوز در خاطر نسل ما زنده‌اند. دستمزد آنها در سال‌های قحط و غلا، یک چارک ارزن یا گندم بود که کمتر از یک کیلو می‌شد! به واقع ظرفیت برداشت از آب‌های نهفته در قعر زمین به اندازه همان کمیت قناب بود و سرزمین خشک و نیمه خشک، توان بیش از آن را نداشت. از دهه چهل و پنجاه که سر و کله تکنولوژی در روستاهای ایران پیدا شد، حفر چاه هم سهیل و آسان شد. موتورها و بمب‌های آب یکی پس از دیگری، از اعماق خاک، آب را به روی زمین آوردند و کشت و زرع رونق گرفت. پس از انقلاب اما مهار حفر چاه در دشت‌های کشور گشوده شد. مسئولان تازه‌کار انگار هیچ درک و فهمی از محدودیت منابع آب عمیق زمین و خطرات استخراج بی‌رویه آن نداشتند و پندارشان این بود که در زیر پوسته زمین اقیانوس لایزالی از آب‌های شیرین نهفته است. مجوز حفر چاه، بی‌در و پیکر صادر شد. آب‌های زیرزمینی تمام شدند. فرونشست دشت‌ها چهره‌ی مهیب خود را نشان داد و این فاجعه بعضاً به گردن خشکسالی گذاشته شد! این فقط یک رقم از انواع بی‌لباقتی‌ها در مدیریت آب کشور است که اینک در همه ابعاد خود، به بحرانی بی‌نهایت خطرناک تبدیل شده است. در فلات ایران بارش‌های سالانه هیچگاه به یک اندازه نبوده است. نیاکان ما سال‌های آبی را به خشکسالی و ترسالی و آب‌سالی تقسیم می‌کردند. در آن زمان خشکسالی‌ها مدیریت می‌شد اما اینک قابل مدیریت نیست. در جلگه سیرجان که سرزمین‌های اطراف آن به طرز بی‌رویه زیر کشت درخت بسته رفته، امسال بارش در حد طبیعی و عادی آن نبوده است. استان هرمزگان تنها یک چهارم بارش‌های عادی خود را داشته است. با این حال، بسیاری از مردم، معنای کمبود آب را درک نمی‌کنند. در آستانه نوروز هدر دادن آب شرب به اوج خود می‌رسد. برخی افراد سطح‌تمیزی و نظافت را چنان سختگیرانه تعریف می‌کنند که جز با شست‌وشوی افراطی و ضایع کردن بی‌دلیل آب تمین نمی‌شوند! ❏



محاكمه ساواک
یادداشتی از آرش ملکی پژوهشگر حقوق بین‌الملل درباره پرونده دادخواهی علیه **پرویز ثابتی**



بحران خودساخته
بررسی وضعیت آب خوزستان در گفت‌وگو با **بهمن فلاح** و **فاطمه پاسبان**



چه کسی رئیس جمهور را کشت؟
درباره انتشار اسناد ترور **جان اف کندی** در سال ۱۹۶۳ و سوالاتی که برانگیخته است



این زندگی معمولی نیست
درباره **سربال پایتخت** که در فصل هفتم انتظارات را برآورده نکرده است



پاس گل کیهان به ایران هراسان

پیامدهای ادعای ترور ترامپ در گفت‌وگو با کوروش احمدی و یوسف مولایی و یادداشت‌هایی از رضا ربیسی و محسن صالحی خواه

جنگ از جبهه رسانه
بررسی فضا سازی‌ها درباره حمایت ایران از یمن

**جنگ یمن
مقدمه جنگ جدید؟**
یادداشتی از پی‌یر هاسکی رئیس خبرنگاران بدون مرز

گزارش
دیپلماسی
۲۳-۶-۷

مجوز مذاکره صادر شد

سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح چند روز پس از انتشار ویدئوی صلح طلبانه در تخت جمشید از موافقت رهبری برای مذاکره غیر مستقیم با آمریکا خبر داد

«شلیک گلوله» و «کله پوک» دقیقاً به سفارش خودشان یا فردی آشنا به فرهنگ آمریکایی در این مطلب کیهان آورده شده است، و نمی‌تواند تصادفی باشد و قصد آن عصبانی کردن ترامپ است. به‌ویژه اینکه سعی کرده بودند که ترور پیشین ترامپ را به ایران نسبت دهند. بیاید فرض کنیم که یک روزنامه مستقل مطلبی می‌نوشت که خوراک مطلوبی برای دست راستی‌ترین رسانه آمریکایی یعنی فاکس نیوز شود و آن را تیرتر کند؛ دستگاه‌های دارای مسئولیت با آن روزنامه چه برخوردی می‌کردند؟ تذکر بسیار آرام هیئت نظارت بر مطبوعات به روزنامه‌ای که حتی نامش را هم در اطلاعیه خود نیاورد، مطلقاً پاسخگوی این اقدام روزنامه نیست. ❏

گریزی از این واقعیت نداریم که بپذیریم، اعتراض کردن به رویه‌ها و اقدامات ضد منافع ملی تندر وها و جنگ طلبان داخلی بی‌فایده است؛ زیرا آنان تصمیم خود را گرفته‌اند و بقای سیاسی و منافع آنان نیز چنین اقتضا می‌کند. پس، از آنان انتظاری جز این رفتار را نباید داشت. کیهان در شماره اخیر خود مطلبی را با این مضمون علیه ترامپ نوشته که: «غلط زبانی کرده! همین روزهاست که به انتقام خون شهید سلیمانی چندتا گلوله توی پوکش شلیک بشه و «ریق لعنت» و «وسر بکشه!» همین نوشته موجب شده که «فاکس نیوز» در یک مقاله مفصل به این مطلب پرداخته و با نقل قول از کیهان، تیرتر بزند که: «شلیک گلوله به «کله پوک» ترامپ گویی که اصطلاح

سرمقاله